

سوریه جولانگاه شبه نظامیان قفقاز شمالی

مهدی حسینی

شورشیان قفقاز شمالی بر اساس دشمنی با مسکو، گرایشات سلفی و وهابی و همسویی با القاعده و تجربه همکاری با سرویس‌های هم‌سو با غرب در منطقه بهترین ظرفیت را برای ورود و دامن زدن به درگیری‌های فرقه‌ای در سوریه داشته‌اند. درگیری‌های نظامی در سوریه، با دخالت و هدایت آشکار قدرت‌های فرامنطقه‌ای و شرکای منطقه‌ای آن‌ها آغاز شد و طبیعی بود که گام بعدی تلاش جنگ‌افروزان سازماندهی و هدایت نیروها و جریانات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هم‌سو با معارضین دولت سوریه باشد. لذا با توجه به آرایش قوای شکل گرفته در سوریه بدیهی بود که شورشیان منطقه قفقاز شمالی که از سویی مسکو را دشمن درجه یک خود معرفی می‌کنند و از سوی دیگر با توجه به گرایشات سلفی وهابی‌شان و همسویی با القاعده، از ظرفیت‌های بالا برای ورود و دامن زدن به درگیری‌های فرقه‌ای برخوردارند و از طرف دیگر تجربه همکاری با سرویس‌های هم‌سو با غرب در منطقه را نیز در کارنامه دارند؛ نیروهای ایده‌آلی برای ورود به میدان جنگ با دولت بشار اسد محسوب شوند.

دولتی که از سوی آن‌ها به راحتی تکفیر می‌شود و مورد حمایت دشمن تراز اول آن‌ها یعنی مسکو نیز قرار دارد. لذا ستیزه‌جویانی که تجربه درگیری‌های دامنه‌دار با نیروهای روسیه را در کارنامه دارند و بسیاری از آنان دشمنان خونی مسکو بوده و شماری از آنها در نتیجه تبعات درگیری‌های بیست سال اخیر در این سو و آن سو آواره‌اند و به دلیل سیاست‌های امنیتی سختگیرانه دولت روسیه در منطقه قفقاز، مجالی برای انجام تحرکات تجزیه‌طلبانه در وطنشان ندارند و از طرف دیگر به واسطه ترتیبات صورت گرفته توسط برخی دولت‌های منطقه و به ویژه ترکیه، راه رسیدنشان به سوریه نیز به نسبت هموار شده است، اساساً حضور در میدان نبرد در سوریه را فرصتی مغتنم برای پیشبرد اهداف خود می‌یابند. به ویژه در ماه‌های اخیر که جبهه النصره به منزله شعبه القاعده در سوریه، توانسته است در صف شورشیان ابتکار عمل را از ارتش به اصطلاح آزاد سوریه بگیرد، جماعت قفقازی نیز عرصه فراخ‌تری برای جولان یافته است که نمونه آن تاسیس «جیش مهاجرین و انصار» و به دست گرفتن ریاست بخش شمالی حکومت به اصطلاح اسلامی شام و عراق در منطقه حساس حلب و در جوار مرزهای ترکیه توسط این نیروها است. البته نقش سرویس‌های هادی خارجی را در این شرایط باید بسیار جدی گرفت.

حضور نیروهای قفقازی در بخش شمالی سوریه و برخوردی که توسط این نیروها با مردم محلی از جمله کردها و یا نخبگان اقلیت مسیحی مرتبط با دولت سوریه صورت گرفته است، نشانگر وجود طرح و تصمیم‌سازی بیرونی برای جانمایی عناصر بیگانه برای انجام برخوردهای دفعی و خشن در بزنگاه‌ها است. برخوردهایی که احتمالاً شورشیان محلی در انجام آن دچار تامل و تعلل شوند و از سوی دیگر علقه‌های بومی ریسک اخذ رویکردهایی خارج از طرح‌ها و دستورالعمل‌های هدایتگران بیرونی را افزایش دهد. بی‌شک قساوت صورت گرفته در قبال بومیان کرد به بهانه به گروگان گرفته شدن ابومصعب و یا گردن زدن دو کشیش مسیحی به بهانه همکاری با دولت اسد، را می‌توان از این منظر از وجوه مختلف تحلیل نمود. اقداماتی که چنان بازخوردهایی را در پی داشت که فردی نظیر ابوعمر چینی را ناگزیر به طرد عاملین آن نمود.

به هر حال سالهاست که اخباری از حضور ستیزه‌جویان وهابی قفقازی در افغانستان، عراق، آسیای مرکزی و سوریه به گوش می‌رسد. اما تاکنون سابقه نداشته است که شبه‌نظامیان مزبور اقدام به آشکار ساختن هویت خود کنند. اما در نخستین هفته فوریه 2013، با پخش ویدئویی در یوتیوب که جنگجویان حاضر در آن به زبان چینی (Noxiy mott)، که در سراسر جهان تنها حدود یک و نیم میلیون نفر بدان تکلم می‌کنند، صحبت می‌کردند، رفتاری بی‌سابقه از این جنگجویان بروز کرد. بی‌شک چندی است که در شبه‌نظامیان قفقازی با صراحت حضور خود در سوریه را به رخ می‌کشند، گویی در تلاشند که سهمی در تاسیس و مدیریت حکومت به اصطلاح اسلامی شام و عراق داشته باشند.

اکنون جنگجویان امارت خودخوانده اسلامی قفقاز که سرکرده آن «داکو خاماتوویچ عمراف» تحت تعقیب‌ترین فرد در روسیه نام دارد و از تاریخ 10 مارس 2011 در فهرست تروریست‌های همکار القاعده قرار گرفته و دولت ایالات متحده نیز جایزه 5 میلیون دلاری برای دستگیری وی تعیین کرده است.

وی امروز با کمک متحدان منطقه‌ای ایالات متحده آرزوهای تحقق نیافته خود در قفقاز را در سوریه دنبال می‌کند و یاران وی نقش مهمی در حرکت ماشین جنگی القاعده در سوریه ایفا می‌کنند.

هر چند برخی تحلیلگران با یادآوری انفجار انتحاری فرودگاه «دومودوو» در مسکو در ژانویه 2011 که 37 کشته برجای گذاشت و یا انفجارهای انتحاری متروی مسکو در سال 2010 با 40 نفر کشته که در نهایت مسئولیت آن‌ها را امارت خودخوانده قفقاز به ریاست داکو عمراف بر عهده گرفت به تهدیدات عمراف اشاره دارند که سوگند خورده است تا بازی‌های المپیک زمستانی 2014 سوچی را مورد حمله قرار دهد.

حال بزرگ‌ترین نگرانی مسکو را بازگشت جنگجویان ورزیده قفقازی از جبهه سوریه به وطنشان در جوار سوچی، برمی‌شمارند. به هر حال نباید فراموش کرد که این حرکت و تفکر به اصطلاح اسلامی ستیزه‌جویان تکفیری که خود بازپچه سرویس‌های غربی و برخی کشورهای منطقه هستند، بزرگ‌ترین تهدیدی است که هم‌چون دومینویی انفجاری از شمال آفریقا تا غرب چین را مورد تهدید قرار می‌دهد.

قفقاز در راستای پیشبرد راهبردها و تحقق برنامه‌های خویش پیدا خواهند کرد. دوشنبه 5 اوت 2013 (14 مردادماه 1392) سرانجام پس از ده ماه درگیری و در پی حملات بمب‌گذاران انتحاری تحت فرمان «جیش مهاجرین و انصار» به سرکردگی ابوعمر الشیشانی

(چچنی). که عمده نیروهای آن از قفقاز شمالی و به ویژه چچن هستند، پایگاه هوایی منغ در 10 کیلومتری جنوب حلب به اشغال شورشیان درآمد. رویدادی که نام «جیش مهاجرین و انصار» و سرکرده‌ی آن‌ها را بیش از پیش بر سر زبان‌ها انداخت. ابوعمر، فردی است که به گزارش وب سایت «کاوکاز سنتر»، ارگان رسانه‌ی امارت خودخوانده اسلامی قفقاز، وابسته به القاعده، اندکی پیش از این پیروزی، به ریاست بخش شمالی حکومت خودخوانده اسلامی عراق و شام نیز منصوب شده بوده است. به نظر می‌رسد که تصرف پایگاه هوایی منغ تنها یک پرده از نقش‌آفرینی دنباله‌دار ستیزه‌جویان وهابی قفقاز شمالی در نمایش به ظاهر بی‌پایان جنگ‌افروزی‌های شورشیان در سوریه می‌باشد.

اکنون و در حالی که در ماه‌های اخیر موازنه قوا در صف معارضان دولت سوریه به نفع جبهه تروریستی النصره به منزله شعبه القاعده در سوریه، تغییر کرده است، شواهد حاکی از آن است که نقش ستیزه‌جویان خارجی که عمدتاً گرایش‌ات سلفی تکفیری دارند نیز در این بحران پررنگ‌تر شده است که در این بین شبه‌نظامیان قفقاز شمالی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند؛ چنان‌که باورکردنی به نظر نمی‌رسد که در چنین روزهایی در سال گذشته، حضور آن‌ها در سوریه در حد شایعاتی انکارپذیر بوده است.

بر اساس اخبار موجود نخستین چچنی کشته شده در سوریه، جوانی 24 ساله به نام رستم گلایف (Rustam Gelayev)، بود که در اوت 2012 در حلب جان باخت. تقارن زمانی مرگ وی با اخبار سال گذشته نشان‌دهنده صحت اخبار مزبور است. چنان‌که روزنامه گاردین در 3 اوت 2012 به نقل از جان کانتلی (John Cantlie)، عکاس خبری انگلیسی که به همراه خبرنگار آلمانی، جروئن اوئرلمانس (Jeroen Oerlemans)، از 19 ژوئیه به مدت یک هفته در اسارت گروهی از معارضین سوری بود، خبر از حضور شبه‌نظامیان چچنی در میان گروه‌نگیران داد. این موضوع در کنار گزارش خبرنگار فرانس پرس مبنی بر حضور شبه‌نظامیان چچنی در جمع شورشیان مسلح سوریه، که در 22 ژوئیه 2012 (1 مرداد 1391)، توسط یورونیوز پخش شده بود، موجب پدید آمدن نگرانی‌هایی جدی در مورد گسترش ابعاد و افزایش پیچیدگی‌های درگیری‌های سوریه و البته ورود هر چه بیشتر جریان‌های نزدیک به القاعده، نظیر تشکیلات امارت خودخوانده اسلامی قفقاز، به بحران سوریه شده بود. البته در آن برهه، «رمضان قادراف»، رئیس‌جمهور چچن، که مهم‌ترین دستاورد خود در سال‌های اخیر را برقراری نظم آهنین در این جمهوری و مهار تکاپوهای جدایی‌طلبان عمدتاً وهابی این جمهوری می‌داند، در 23 ژوئیه 2012 (2 مرداد 1391) گزارش یورونیوز را سراپا دروغ خوانده و گفته بود: «در آن‌جا حتی یک شهروند چچنی وجود ندارد!» البته با گذشت کم‌تر از یک سال، رمضان قادراف، همان چهره‌ای که همواره و مصرانه منکر حضور حتی یک جنگجوی چچنی در سوریه بود، در مصاحبه‌ای که شنبه 15 ژوئن 2013 (25 خردادماه 1392) در وبسایت رسمی دولت چچن منتشر شد، ضمن اعتراف به حضور اتباع چچن در میان معارضان دولت سوریه، خواستار به راه افتادن یک کمپین آموزشی برای جلوگیری از پیوستن جوانان چچنی به جبهه‌های سوریه شد. وی به مقامات رسمی، روحانیون و نخبگان این جمهوری دستور داد که اهتمام خود را برای ارتقای آگاهی جوانان این جمهوری درباره واقعیت‌های موجود در سوریه بکار بندند و زمینه‌های جذب جوانان چچنی به صف معارضان سوریه را از میان ببرند. رمضان قادراف در این مصاحبه خطاب به جوانان چچنی گفت: «در سوریه جهادی مقدس در جریان نیست. نبرد سوریه توسط قدرت‌های بیگانه با هدف براندازی حکومت اسد، ویرانی کشور و انهدام ارتش طراحی شده است.» البته رمضان قادراف تنها فردی نبود که با گذشت یک‌سال ناگزیر به عدول کامل از ادعاهای پیشین خود شد. در اوت 2012، مایربک وچاگاگاف (Mairbek Vatchagayev)، تحلیلگر مسایل قفقاز ساکن در فرانسه، در یادداشتی در سایت «اوراسیا دیلی» وابسته به «بنیاد جیمز تاون» آمریکا، با طرح توجیحات گوناگون، ضمن رد خبر یورونیوز در مورد حضور چچنی‌ها در جبهه سوریه، خاطرنشان کرد که احتمالاً شبه‌نظامیان مورد اشاره‌ی خبرنگاران مزبور، از اعقاب چچنی‌هایی باشند که یک‌و نیم قرن پیش، از قفقاز شمالی به شامات مهاجرت کرده‌اند! اما اخیراً همین تحلیلگر در یادداشتی در همان سایت اوراسیا دیلی، موضوع نقش‌آفرینی پررنگ و فزاینده فرماندهان چچنی حاضر در جبهه سوریه و تبدیل آن‌ها به یکی از محورهای اصلی معارضان دولت اسد در آینده‌ای نزدیک را پیش‌بینی کرده است. هر چند تحلیل‌های سال گذشته‌ی مایربک وچاگاگاف، رنگ‌وبوی کتمان واقعیت داشت و گویی پیش‌بینی‌های اکنون وی نیز وجهی اغراق‌گونه به خود گرفته است اما واقعیت انکارنشده‌ی اهمیت فزاینده نیروهای خارجی و به ویژه سلفی تکفیری در جبهه نبردهای سوریه در یک سال اخیر است که اتباع قفقاز شمالی بخش مهمی از آن‌ها را تشکیل می‌دهند. چنان‌که الکساندر بورتنیکوف (Alexander Bortnikov) رئیس «سرویس امنیت فدرال روسیه» در 6 ژوئن 2013 (16 خردادماه 1392) در نشست رؤسای سرویس‌های امنیتی کشورهای همکار روسیه از حضور حدود 200 جنگجوی وابسته به امارت خودخوانده اسلامی قفقاز در سوریه ابراز نگرانی کرد و با تأکید بر حضور تروریست‌هایی از اروپا و آمریکای شمالی در میان معارضین دولت سوریه، هشدار داد که: «بزرگ‌ترین خطر پیش‌رو، بازگشت این تروریست‌ها به وطنشان خواهد بود.

*ردپا و نقش میدانی جنگجویان قفقاز شمالی در بحران سوریه

با جستجویی در میان اخبار و تحلیل‌های موجود ملاحظه می‌شود که اغلب منابع خبری، ناگزیری مقامات مسئول روسیه، چچن و یا کارشناسان و تحلیلگران مسایل منطقه به اعتراف به حضور موثر قفقازی‌ها در صف شورشیان سوریه، موضوعی که قطعاً پیش‌تر بدان واقف بوده‌اند، را نقطه عزیمت مهمی در بررسی سیر نقش‌آفرینی این جنگجویان در بحران سوریه دانسته و هر کدام یکی از رخداد‌های ماه‌های اخیر را موجد این تغییر شرایط برمی‌شمارند. چنان‌که خبرگزاری ایتارتاس در 26 ژوئیه 2013 (4 مردادماه 1392) با اشاره به بیانیه وزارت خارجه روسیه در 23 ژوئیه 2013 (1 مردادماه 1392)، مبنی بر تأیید حضور ابومصعب، یکی از فرماندهان جنگجوی چچنی در رأس یکی از گروه‌های معارض دولت بشار اسد، خاطرنشان می‌سازد که این بیانیه پس از کشتار بومیان کرد به‌دست گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در شمال سوریه که به تلافی دستگیری فرمانده چچنی ابومصعب، صورت گرفت، صادر شد. ایتارتاس یادآور می‌شود که گروه‌های مزبور که خواستار آزادی ابومصعب بودند، تعدادی مردم بی‌گناه را گردن زده و حدود 500 کرد را به گروه‌گان گرفتند که اغلب آن‌ها زنان، کودکان و سالخورده‌گان بودند و هر چند ابومصعب آزاد شد اما به گزارش وزارت خارجه روسیه تا 23 ژوئیه

2013 حدود 200 گروگان غیرنظامی کماکان به عنوان سپر انسانی در اسارت تروریست‌ها قرار داشتند. به گزارش بخش انگلیسی سایت «التقریر السوری» در 28 مه 2013 (7 خردادماه 1392)، ربایش روسای حوزه اسقفی ارتدوکس سوری و یونانی حلب در ماه آوریل و کشتن راننده‌ی آن‌ها، توسط گروهی از مسلحین چینی بوده است.

خبرگزاری العربیه نیز در 23 آوریل 2013 (3 اردیبهشت 1392) در حاشیه خبر آزادی دو اسقف مزبور، به نقل از یکی از مقامات حوزه اسقفی ارتدوکس سوریه، ربایندگان آن‌ها را گروهی چینی فعال در شمال سوریه معرفی کرد. سایت التقریر السوری حمله ناموفق معارضان به یکی از زندان‌های حلب در ماه مه را نیز به گروهی از شبه‌نظامیان چینی وابسته به جبهه النصره نسبت داده است. البته یکی از نقاط عطف علنی شدن سطح نقش آفرینی ستیزه‌جویان قفقاز شمالی در سوریه، در ماه ژوئیه و با انتشار ویدئوی گردن زدن کشیش فرانسیسکن، «(پدر فرانسوا مردا (Francois Murad))» و کشیش همراه وی، به جرم ارتباط با ارتش سوریه، رقم خورد که حاوی تصاویر خشونت‌باری است که شبه‌نظامیان حاضر در آن به سرکردگی ابوالبنات، تکفیری داغستانی، به زبان روسی تکلم می‌کنند. البته در صحنه‌های نبرد انجام اقدامات خلاف عرف نظیر بروز قساوت فوق‌العاده می‌تواند موجب برانگیختن توجه رسانه‌ها و ایجاد رعب در دل نیروهای متخاصم و یا ایجاد نفرت عمومی نسبت به عاملان چنین اقداماتی شود چنانکه در مورد این ویدئو نیز بازخوردهای متعددی پدید آمد اما در ارزیابی نقش ستیزه‌جویان قفقاز شمالی در سوریه، نباید تنها وجوهی که می‌تواند توجهات رسانه‌ای گذار را به خود جلب کند مدنظر قرار دارد و شایسته است که فارغ از هرگونه رویکرد تقلیل‌گرایانه و یا اغراق‌آمیز، به گروه‌های متشکل و اهداف کلان آن‌ها توجه نمود. از این منظر مهم‌ترین کنشگر قفقازی حاضر در صحنه نبرد سوریه گروه سلفی «جیش مهاجرین و انصار» است. همان گروهی که در 5 اوت 2013 (14 مرداد 1392) پایگاه هوایی منغ را اشغال کرد. رویترز در 6 مارس 2013 (16 اسفند 1391) گزارش داد که در یکی از ویدئوهای منتشر شده، ابوعمر چینی در حالی که گرداگردش را شبه‌نظامیان مسلح، با لباس‌های سراسر مشکی احاطه کرده‌اند، از مسلمانان برای پیوستن به جبهه جهاد در سوریه دعوت می‌کند. صحبت‌های او به زبان روسی، توسط یکی از نفرات به عربی ترجمه می‌شود. وی در این ویدئو می‌گوید: «جهاد به خیلی چیزها نیاز دارد. نیاز اصلی پول است. امروز جهاد بیش از هر زمانی به پول نیاز دارد... ما فرصت‌های زیادی از دست داده‌ایم، اما امروز فرصتی واقعی برای تاسیس حکومتی اسلامی در زمین مهیا شده است». سایت التقریر السوری، اعلام رسمی تشکیل «جیش المهاجرین و الانصار» توسط ابوعمر چینی را به یک کلیپ ویدئویی که در 26 مارس 2013 (6 فروردین 1392) سایت کاوکاز سنتر آن‌را منتشر کرد، نسبت می‌دهد.

تصاویری که صدها شبه‌نظامی خارجی را در حال ادای سوگند وفاداری به ابوعمر، نمایش می‌دهد. مراد بطل الشیشانی، کارشناس مسایل خاورمیانه و قفقاز شمالی ساکن لندن در مورد نحوه شکل‌گیری جیش مهاجرین و انصار می‌گوید: «در مارس 2013 دو گروه مسلح سوری با عمر، فرمانده چینی حاضر در سوریه بیعت کرده و گروه خود را با نیروهای چینی ادغام کردند و نام این گروه ائتلافی را «جیش المهاجرین و الانصار» نهادند.» روایتی که گویای وجه تسمیه این گروه نیز است.

به گزارش «التقریر السوری»، در اکتبر 2012 حمله به یک پایگاه دفاع هوایی و موشکی در حلب به سرکردگی جبهه النصره صورت گرفت، حمله‌ای که با مشارکت گروهی از چینی‌ها نیز توأم بوده است. این خبر با ادعای سایت کاوکاز سنتر مبنی بر نبردی ده ماهه برای تصرف پایگاه هوایی منغ در نزدیکی حلب کاملاً هم‌خوانی دارد و نشان‌دهنده حضور پررنگ شبه‌نظامیان قفقازی در مدت محاصره‌ی نزدیک به یک ساله پایگاه هوایی منغ است. البته باید توجه داشت که ستیزه‌جویان قفقازی حاضر در میدان سوریه نیز یک‌دست و یکپارچه نیستند و طرد و تصفیه‌های درون‌گروهی نیز در میانشان در جریان است. چنان‌که پس از مطرح شدن نام ابوالبنات داغستانی به عنوان قاتل دو کشیش سوری، وی به دستور ابوعمر چینی وادار به ترک سوریه شده و از انتظار ناپدید شد. زیرا ابوعمر بر این باور بود که تداوم حضور ابوالبنات تبعات منفی برای جماعت قفقاز شمالی خواهد داشت. موضوعی که در بحبوحه تصرف پایگاه هوایی منغ برای یکی از امیران نزدیک به ابوعمر تکرار شد و ابوعمر طی بیانیه‌ای غیرمنتظره، امیر سیف‌الله و 27 نفر از همراهانش را از جیش مهاجرین و انصار اخراج کرد. امیر سیف‌الله فردی است که در ماه‌های اخیر عملاً نقش دبیر رسانه‌ای جیش مهاجرین و انصار را ایفا کرده است و همان شخصی است که در ویدئوی مربوط به تاسیس جیش مهاجرین و انصار می‌گوید: «ما به این‌جا آمده‌ایم تا قانون خدا را مستقر سازیم... ما یک هدف داریم: جاری ساختن شریعت، یعنی قانون خدا... برای ما تفاوتی بین سوریه، مصر، عراق، افغانستان، چین، قفقاز و یا هر جای دیگری وجود ندارد.» به گفته‌ی ابوعمر چینی، «درباره اخراج سیف‌الله و گروه کم‌شمار وی در جلسه‌ای با حضور فرماندهان عالی و میانی جیش مهاجرین و انصار تصمیم‌گیری شده است.» وی دلیل این تصمیم را پدید آمدن نارضایتی و عداوت در بین مردم بومی نسبت به جنگ‌جویان قفقاز شمالی و احتمال منزوی شدن آن‌ها در میان سایر گروه‌ها به دلیل رفتارها و راهزنی‌های گروه تحت امر سیف‌الله عنوان کرده است. ابوعمر گروه مزبور را به زیاده‌روی در رویکردهای تکفیری و سوءاستفاده از این امر در خدمت مطامع شخصی متهم کرده است. امیر سیف‌الله نیز در پاسخ، ویدئویی را منتشر کرده است که اتهامات منسوب به خود را رد کرده و تأکید می‌کند که هرگز شبیه ابوالبنات داغستانی نخواهد بود. او در این ویدئوی ده دقیقه‌ای تلاش کرده که ثابت کند که گروه تحت فرمانش بیش از 27 نفر هستند. در ویدئوی مزبور تعداد افراد حاضر اندکی بیش از سی نفر است که می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که وی بیش از این تعداد را نتوانسته گرد خود آورد. سیف‌الله در ویدئوی مزبور به زبان روسی دست‌وپاشکسته‌ای صحبت می‌کند و به دفعات از اصطلاح «ان‌شاءالله» بهره می‌گیرد. وی عنوان می‌دارد که افراد زیادی در حال پیوستن به گروهش هستند و این گروه به زودی رشد زیادی خواهد کرد. مایربک و اچاگائف در مورد شخصیت سیف‌الله می‌نویسد:

«بسیاری از افرادی که امیر سیف‌الله را می‌شناسند معتقدند که وی با انگیزه‌های شخصی به سوریه آمده است. او همسر و پسر 9 ساله اش را نیز به همراه آورده و احتمالاً پسر وی نیز عضو گروه مسلح وی است.» این تحلیلگر مسایل قفقاز بر این باور است که تنها راه باقی ماندن سیف‌الله در صحنه، آشتی با ابوعمر است وگرنه وی نیز به سرنوشت ابوالبنات دچار خواهد شد. و اچاگائف عنوان می‌کند که ابوعمر با رفتاری که در مقابل ابوالبنات و سیف‌الله انجام داد، خود را شخصی مقتدر در برابر سوءاستفاده ابزاری از تکفیر و یا تخلفات

مالی نشان داده است و این رویکرد موقعیت وی را به منزله امیر جنگجویان قفقاز شمالی در سوریه تحکیم خواهد نمود و این روند به زودی به وی وزن و اعتباری معادل فرماندهان تراز اول شورشیان مسلح سوری خواهد بخشید. هر چند به نظر می‌رسد که با توجه به تحولات میدانی جنگ در سوریه، نمی‌توان تحقق چنین پیش‌بینی‌هایی را مسلم پنداشت اما رفتارهای ابوعمر در جایگاه سرکرده یک گروه تروریستی وابسته به القاعده و فردی که حکم ریاست بخش شمالی حکومت خودخوانده شام و عراق را نیز دریافت داشته است، از پیچیدگی، تحکم و عوام‌فریبی بسزایی برخوردار است. به علاوه باید توجه داشت که ستیزه‌جویان قفقازی، توجه نسبی سایر معارضان را نیز به خود جلب کرده‌اند، چنان‌که یکی از منابع نزدیک به شورشیان سوریه در موردشان می‌گوید: «آن‌ها نقش بسیار مهمی دارند، در بخشی از مناطق فرماندهی نبردها در دست آنهاست و برخی از آن‌ها فرماندهان بریگادها هستند. آن‌ها جنگجویان کارآموده‌ای هستند و اعتقادی می‌جنگند، لذا آن‌ها در ازای حضور در میدان نبرد، مطالبه‌ای ندارند.» تعبیراتی که البته برای قضاوت در موردشان باید به انتظار نشست.

* ترکیب قومی، شمار نیروها و تلفات ستیزه‌جویان قفقازی در سوریه

در مورد تعداد نیروها و کشته‌شدگان قفقاز شمالی حاضر در صف شورشیان سوریه ارقام بسیار متنوع است. به گزارش شبکه المنار لبنان تا 12 ژوئن 2013 (22 خردادماه 1392) دست‌کم 6113 شبه‌نظامی خارجی در سوریه کشته شده‌اند که آمار مزبور به تفکیک کشورها و مناطق شامل 729 عربستانی، 489 مصری، 439 لبنانی، 439 قفقازی، 301 افغانی، 263 لیبیایی، 261 پاکستانی، 208 عراقی، 188 تبعه روسیه، 167 ترکیه‌ای، 129 اردنی، 117 سومالیایی، 109 کوبیتی، 90 فرانسوی، 67 آلمانی، 66 بریتانیایی، 50 تونس، 55 اندونزیایی، 53 الجزایری، 52 یمنی، 49 قطری، 45 بلژیکی، 40 ازبکستان، 35 آمریکایی، 31 کوزویایی، 21 جمهوری آذربایجان، 13 مالتی، 7 موریتانیایی، 6 سیرالئون و 6 سورینامی بوده است. در این آمار ملاحظه می‌شود که قفقازی‌ها پس از اتباع عربستانی و لبنانی، سومین آمار بالای تلفات را دارند که البته با توجه به این‌که در فهرست فوق‌الذکر تلفات مربوط به جمهوری آذربایجان به طور مجزا ذکر شده و تلفات اتباع روسیه نیز جدای از تلفات قفقازی‌ها آمده در صورتی‌که سکنه قفقاز شمالی نیز اتباع روسیه محسوب می‌شوند، لذا باید تعداد تلفات قفقازی‌ها را از رقم ذکر شده نیز فراتر دانست. آماري که بیش از پیش مؤید حضور پرتعداد ستیزه‌جویان قفقازی در صف شورشیان سوریه است. پایگاه خبری «گلوبال ریسرچ» در 13 ژوئیه 2013 (22 تیرماه 1392) گزارش داد که ظرف یک هفته 1500 جنگجوی خارجی با استفاده از تسهیلات دولت ترکیه از مرزهای این کشور وارد سوریه شده‌اند. خبرگزاری ایتالیایی آکی (Aki) در همین باره گزارش داد که دولت ترکیه به آمودشدهای ستیزه‌جویان افراط‌گرای اسلامی چشم می‌بندد. به گزارش گلوبال ریسرچ، شواهد حاکی از حضور هفده هزار جنگجوی خارجی در جبهه نبرد سوریه است که در بین غیرعرب‌ها، چینی‌ها اکثریت این افراد را تشکیل می‌دهند. مایربک و اچاگانف در مورد تعداد و ملیت اعضای جیش مهاجرین و انصار تاکید می‌کند که هرچند اغلب رسانه‌ها اکثریت اعضای آن‌را چینی معرفی می‌کنند اما در واقع این گروه متشکل از اقوام گوناگون قفقاز شمالی است. او با اشاره به اینکه گمانه‌زنی‌ها در مورد شمار اعضای این گروه، آن‌چنان دقیق نمی‌باشد، دامنه این ارقام را از چند صد تا 1700 شبه نظامی برمی‌شمارد، در حالی‌که احتمالاً نیمی از آن‌ها چینی هستند. سایت کاوکاز سنتر در 6 اوت 2013 (15 مرداد 1392) در حاشیه خبر تصرف پایگاه هوایی منغ، خاطرنشان می‌سازد که از 300 تلفات وارده بر معارضین در 10 ماه درگیری، 100 نفر از جیش مهاجرین و انصار بوده‌اند که اغلب این تلفات چینی بوده‌اند. یکی از منابع خبری نزدیک به شورشیان خاطرنشان می‌سازد که چینی‌ها پس از لیبیایی‌ها دومین گروه بزرگ نیروهای خارجی حاضر در بحران داخلی سوریه هستند. این منبع اضافه می‌کند که در ماه آوریل 17 جنگجوی قفقاز شمالی در نبردهای حومه حلب کشته شده‌اند. البته در این بین برخی منابع آمار این نیروها را کم‌تر از ارقام مذکور معرفی می‌کنند، چنانکه عثمان فرزوعلی (Usman Ferzuali)، از فعالان استقلال طلب چچن که در کشورهای غربی ساکن است، در مصاحبه‌ای که در روز جمعه 19 ژوئیه 2013 (28 تیرماه 1392) در روزنامه کامرسانت منتشر شد، ضمن تایید حضور شبه‌نظامیان چچنی در صف معارضان سوری، گفت: «گفتگو از شمار دقیق چچنی‌های حاضر در صحنه نبرد در سوریه دشوار است، اما به نظر من شمار آن‌ها از یک‌صد نفر بیشتر است.» یا خبرگزاری اینترتارس در 26 ژوئیه 2013 (4 مردادماه 1392)، با استناد به گزارش سرویس امنیت فدرال روسیه، از حضور حدود 200 تبعه روسیه که ذیل پرچم القاعده با ارتش سوریه مشغول نبرد هستند، خبر می‌دهد و بر اخبار رسانه‌های روسیه بر حضور بیش از یک‌صد شبه نظامی چچنی وابسته به جریانات وهابی در رده‌های مختلف نظامی در میان معارضان سوریه تاکید می‌کند. البته با توجه به شهرت، اثرگذاری و دامنه نفوذ شبه‌نظامیان قفقازی در صف شورشیان سوریه، ارقام یک‌صد و یا دویست نفری خبرگزاری‌های روسیه را نمی‌توان منطقی و پذیرفتنی دانست. البته در این بین آماري که رئیس‌جمهور چچن در مصاحبه 25 خردادماه 1392، از تعداد اتباع این جمهوری در سوریه ارائه داد شایان تامل است. این آمار همان اندازه درست به نظر می‌رسد که ادعای سال گذشته وی در مورد عدم حضور حتی یک چچنی در سوریه به صحت نزدیک بود! رمضان قادراف در مصاحبه مزبور به کشته شدن «پنج یا شش» چچنی در نبردهای سوریه و حضور تعداد بیشتری جنگجوی چچنی در میان نیروهای معارض دولت سوریه اعتراف کرد. وب سایت کاکاشین نات (Caucasian Knot) در 13 ژوئن 2013 (23 خردادماه 1392)، به نقل از نماینده شورای امنیت اقتصادی و اجتماعی چچن گزارش داد که 29 تبعه این جمهوری در نبردهای سوریه حضور دارند که هفت تن از آن‌ها کشته شده‌اند! خبری که می‌تواند مؤید رویکرد رسانه‌ای جمهوری چچن در قبال ارائه اطلاعات تقلیل یافته در مورد حضور و نقش اتباع آن در سوریه باشد. البته این بدان معنا نیست که دولت روسیه و یا چچن به عنوان زیرمجموعه آن، از آمار واقعی بی‌خبرند و یا در قبال کلیت ماجرای اعزام ستیزه‌جویان قفقازی به سوریه دست روی گذاشته‌اند.

به گزارش کاکاشین نات، حاکمیت چچن، خویشاوندان افرادی که به سوریه رفته‌اند را مورد پیگرد قرار می‌دهند. سلام‌بک

(Salambek)، یکی از اتباع این جمهوری که سابقه فعالیت در دستگاه‌های قضایی چچن را دارد در این‌باره گفته است: «نزدیکان جوانانی که چچن را برای شرکت در نبردهای سوریه ترک کرده‌اند، علناً مورد آزار حکومت قرار می‌گیرند. موضوعی که هر چند وجوه

غیرقانونی دارد اما مورد آزار قرارگرفتگان نیز از پیگیری حقوق خود چشم‌پوشی می‌کنند. زیرا پیامدهای آن می‌تواند ناگوارتر باشد.» البته باید توجه داشت که شمار زیادی از جنگجویان چینی حاضر در سوریه یا از کشورهای عربی و اروپایی و یا از جمهوری‌ها و کشورهای پیرامونی چین، عازم سوریه شده‌اند و این موضوع، دست‌رسان قادراف را در ممانعت از گسیل آنها به سوریه بسته است. البته هر از چند گاهی گزارش‌هایی در مورد دستگیری افرادی به دلیل حضور در صحنه نبردهای سوریه در جمهوری‌های قفقاز شمالی منتشر می‌شود. چنانکه پلیس روسیه اعلام کرد که در اواخر ماه ژوئیه یکی از شبه‌نظامیان قفقازی فعال در سوریه را در منطقه خاساویورت داغستان دستگیر کرده است.

بر اساس گزارش وزارت کشور داغستان این مرد 36 ساله از ماه مه تا ژوئیه در صف شورشیان جنگیده و در نهایت زخمی شده است. او که برای ادامه مداوای خود از طریق ترکیه و جمهوری آذربایجان در 19 ژوئیه (28 تیرماه 1392) به وطن خود در فدراسیون روسیه بازگشته بود توسط نیروهای امنیتی روسیه دستگیر شد.

*خاستگاه و ارتباطات ستیزه‌جویان قفقازی حاضر در سوریه

منطقه قفقاز شمالی که جمهوری‌های داغستان، چین، اینگوشتیا، اوستیای شمالی، کاباردینو بالکاریا، قره‌چای چرکس و آدیغه را دربرمی‌گیرد، موطن ده‌ها گروه قومی است که از آن بین می‌توان به آوارها، لزگین‌ها، دارگین‌ها، چچنی‌ها، اینگوش‌ها، اوست‌ها، چرکس‌ها، بالکارها و... اشاره کرد. که البته در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون و از جمله ایفای نقش پررنگ چچنی‌ها در رویارویی‌ها با حکومت مرکزی روسیه و به ویژه وقوع دو جنگ با روسیه در دهه نود میلادی، و البته عدم آشنایی عمیق منابع غربی با تنوع قومی و جغرافیایی منطقه قفقاز شمالی، عنوان چچنی برای بیشتر اقوام مسلمان قفقاز شمالی به کار برده می‌شود، به گونه‌ای که گویی قفقاز شمالی و چچن معادل یکدیگرند. به همین دلیل است که در اخبار مربوط به شورشیان سوریه، فردی نظیر ابوالبنات که یک داغستانی دارگین است اغلب چچنی معرفی می‌شود. به نظر می‌رسد که با توجه به فصول مشترکی نظیر گرایش‌های سلفی وهابی و عداوت با روسیه و خاستگاه مشترک جغرافیایی، معارضین قفقازی حاضر در صحنه نبرد سوریه، را می‌توان در یک کلیت با نام «ستیزه‌جویان قفقاز شمالی» معرفی کرد. البته شایان ذکر است که در بین این نیروها چچنی‌ها اکثریت را دارند و لذا چچنی خواندن این جماعت نیز با وجود عدم دقت و جامعیت، نمی‌تواند در مجموع مردود محسوب شود. یکی از دلایل حضور موثر و پرشمار چچنی‌ها در بین ستیزه‌جویان قفقازی حاضر در سوریه این است که در دهه اخیر به دلیل سیاست مشت‌آهین رمضان قادراف در چچن که با حمایت و هدایت مسکو عملی شده است، شورشیان چچنی به نواحی مرزی کشورها و جمهوری‌های پیرامونی رانده شده‌اند و مجال اندکی برای پیگیری مبارزات خود در خاک چچن یافته‌اند چنان‌که ملاحظه می‌شود که بخش مهمی از نیروهای حاضر در جیش مهاجرین و انصار از سکنه دره پانکیسی در شمال شرق گرجستان در مجاورت مرز چچن هستند که در پی جنگ‌های دور اول (1994-96) و دوم (2000-1999) چچن و روسیه به ناحیه مزبور مهاجرت کرده‌اند. ابوعمر چچنی و سیف‌الله از مشهورترین ستیزه‌جویانی هستند که از دره پانکیسی گرجستان و از طریق ترکیه وارد سوریه شده‌اند. رستم گلایف که پیش‌تر به عنوان نخستین تلفات چچنی‌ها در میدان نبرد سوریه معرفی شد، فرزند یکی از فرماندهان جنگ‌های استقلال طلبانه چچن در برابر روس‌ها در دهه نود میلادی به نام روسلان گلایف (Ruslan Glayev) مشهور به حمزت (Hamzat) بوده است. حمزت پیش از کشته شدن در سال 2004، حملاتی را علیه روس‌ها از دره پانکیسی گرجستان ترتیب می‌داده است. رستم گولایف تا پیش از ترک منطقه قفقاز و رفتن به مصر برای تحصیل زبان عربی، در همان دره پانکیسی سکنی داشته است. او از مصر برای پیوستن به معارضین دولت اسد به سوریه رفت. به اعتقاد مراد بطلال الشیشانی، کارشناس مسایل خاورمیانه و قفقاز شمالی ساکن لندن، اغلب جنگجویان چچنی حاضر در سوریه مسیر مشابهی را طی کرده‌اند. آن‌ها پیش از پیوستن به شورشیان در کشورهای عرب مشغول تحصیل زبان عربی و علوم دینی بوده‌اند، البته این ادعا نیز جای بحث دارد. زیرا به باور اکثر کارشناسان، قفقازی‌های حاضر در صف معارضین سوریه را باید به دو گروه تقسیم کرد: یک گروه چچنی‌های اروپایی که خانواده‌های آن‌ها در خلال جنگ‌های اول و دوم چچن در طول دهه نود و اوایل قرن حاضر وطن خود را ترک کرده‌اند. (برخی منابع خبری در 16 اوت 2013 (25 مردادماه 1392) مدعی ورود 90 زن چچنی برای «جهاد نکاح» به سوریه از طریق هاتای ترکیه شدند؛ زنانی که به گفته این منابع از چچنی‌های اروپا بوده و از طریق استانبول وارد ترکیه شده بوده‌اند) و گروه دیگر، افرادی که عمدتاً تحت تاثیر تبلیغات امارت خودخوانده اسلامی قفقاز رهسپار سوریه شده‌اند که البته ترکیه معبر ورود اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها به سوریه بوده است. عثمان فرضوعلی که خود را وزیر امور خارجه جمهوری چچن ایچکری (عنوانی که استقلال طلبان دارای گرایش‌های ملی چچنی برای این جمهوری به کار می‌گیرند) می‌خواند نقش امارت خودخوانده اسلامی قفقاز تحت فرماندهی داکو عمراف در دعوت ستیزه‌جویان چچنی برای رفتن به جبهه‌های نبرد سوریه را بسیار مهم ارزیابی می‌کند. وی خاطر نشان می‌سازد که یکی از مهم‌ترین فرماندهانی که جوانان چچنی را برای جنگ در سوریه تربیت می‌کند، اوصی عمراف (Usa Umarov) است. فردی که وابستگی خویشاوندی با مولادی اودوگوف (Mowladi Udugov)، نظریه‌پرداز امارت به اصطلاح اسلامی قفقاز دارد. فرضوعلی عنوان می‌نماید که عمراف برای آموزش نیروهای تازه وارد در سوریه سکونت دارد و به طور مداوم از مرزهای روسیه تردد می‌کند. پایگاه اینترنتی دبکافایل (Debkafile) مستقر در فلسطین اشغالی در اوایل اوت و در بحبوحه درگیری‌ها بر سر پایگاه هوایی منغ در حومه حلب گزارش داد که اخیراً صدها شبه نظامی چچنی و قفقازی از طریق ترکیه وارد سوریه شده‌اند. گزارش مزبور، افراط‌گرایان چچنی وارد شده به سوریه را بخشی از نیروهای امارت خودخوانده قفقاز برشمرد. روزنامه کامرسانت نیز به نقل از منبعی که خواسته بود نامش فاش شود گزارش نمود که برخی از پایگاه‌های نظامی در چچن به آموزش شبه‌نظامیان برای گسیل به جبهه نبرد در سوریه، تحت فرماندهی معین ابومصعب (Moein Abu Musab) مشغول فعالیت‌اند و این فرد همانی است که گروگانگیری و کشتار جمعی از گردهای شمال سوریه در ژوئیه اخیر برای آزادی وی بوده است.

خاطر نشان می‌شود در سال 2007 و پس از سرکوب شدید جریان‌های جدایی طلب چچن و رانده شدن این گروه‌ها به جمهوری‌های

همسایه، امارت اسلامی به اصطلاح اسلامی قفقاز تاسیس شد و خود را به صورت چتر فرماندهی گروه‌های مختلف شبه‌نظامی قفقاز معرفی کرد. برعکس جریان استقلال طلب ملی چچن که در خلال جنگ اول چچن و حول محور چهره‌ای نظیر جوهر دودایف تجلی می‌یافت، گروه‌های مسلح مزبور گرایش‌های جهادی و وهابی داشتند و دشمنی خود را معطوف به روسیه می‌دانستند. از همان مراحل آغازین ناآرامی‌ها در سوریه، وب سایت‌های وابسته به این جریان نزدیک به القاعده، شدیداً دولت بشار اسد را مورد حمله قرار می‌دادند و در اکتبر 2012 داکو عمرف، رئیس امارت خودخوانده اسلامی قفقاز، در یک ویدئو که در شبکه جهانی اینترنت منتشر شد، نسبت به شورشیان سوریه ابراز همدلی و هم‌سوئی نمود. البته او در آن برهه صراحتاً از چچنی‌ها برای پیوستن به جنگ سوریه دعوت نکرد و خاطرنشان ساخت که میدان نبرد قفقاز شمالی باید اولویت باشد. هم‌زمان ولایت داغستان، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های اصلی امارت به اصطلاح اسلامی قفقاز، فتوایی منتشر کرد مبنی بر اینکه جهاد قفقازی‌ها در شام، بر خلاف جهاد در قفقاز شمالی واجب نیست. البته این مواضع که می‌توانست صرفاً رویه یک جریان باشد، جنگ چچنی‌ها در سوریه را تحت‌الشعاع قرار نداد و آن‌ها به مرور بر اهمیت خود در میدان‌های نبرد افزودند و البته وبسایت «کاوکاز سنتر»، ارگان امارت خودخوانده اسلامی قفقاز، در ماه‌های اخیر به طور روزافزون و به شکلی حماسی و با جزئیات مفصل به پوشش اخبار مربوط به فعالیت‌های ستیزه‌جویان قفقازی در سوریه پرداخت و به ویژه پس از تشکیل جیش مهاجرین و انصار ذیل جبهه النصره، ارتباطات خود با این جریان را علنی ساخت. باید توجه داشت که همان‌گونه که از بدو تاسیس امارت خودخوانده اسلامی قفقاز، داکو عمرف امرایی را برای سایر نواحی نظیر جمهوری آذربایجان تعیین کرد و در واقع اهل سنت مناطق شمالی جمهوری آذربایجان را مخاطب قرار داد، از همان آغاز حضور شبه‌نظامیان قفقاز شمالی در صف تروریست‌های سوریه، اخباری مؤید حضور شبه‌نظامیان سلفی آذربایجانی در میان این جماعت منتشر شد. چنان‌که رادیو اروپای آزاد در 19 اکتبر 2012 (28 مهرماه 1391)، از شناسایی جسد یک تبعه آذربایجانی به نام حصین خزلی (Hasin Khazli) که در جریان درگیری نیروهای ارتش سوریه با گروهی از معارضین کشته شده بود، خبر داد و یا در 9 نوامبر 2012 (19 آبان 1391) تلویزیون سوریه گزارش داد که یک تبعه دیگر جمهوری آذربایجان به نام اسلام‌اف توسط نیروهای ارتش این کشور کشته شده است. گروهی که بر اساس گزارش مزبور عموماً از اتباع جمهوری آذربایجان و عربستان متشکل بوده است. بعدها مشخصات وی ظاهر علی‌عسکروویچ اسلام‌اف (Zaher Aleskerovich Islamov) متولد 1975 اعلام شد. چندی بعد تصویر سه تن دیگر از اتباع کشته شده جمهوری آذربایجان در سوریه به نمایش درآمد. در اوایل نوامبر 2012 پایگاه خبری وسکاناپات (Voskanapat) گزارشی منتشر کرد حاکی از آن که شمار زیادی از شبه‌نظامیان آذربایجانی پیش از ورود به سوریه در استان مرزی هاتای ترکیه و به ویژه در کمپی به نام آپایدین (Apaydyn) تحت آموزش‌های نظامی قرار می‌گیرند. به هر روی قراین نشان می‌دهد که در ماه‌های اخیر و با تقویت جریانات وهابی در صف معارضان سوریه، ستیزه‌جویان آذربایجانی نیز تلاش کردند که ذیل جریانات قفقازی جایگاهی برای خود تعریف کنند. به گزارش سایت التقرير السوری، در ویدئوی بارگذاری شده در 8 مه 2013 (18 اردیبهشت 1392) در یکی از وب سایت‌های ستیزه‌جویان قفقازی در سوریه، مردانی مسلح با صورت‌بندهای مشکی و پرچمی مشابه پرچم‌های القاعده دیده می‌شوند. سرکرده‌ی گروه مزبور خود را «ابویحیی ال‌آذری، امیر جماعت آذربایجانی «جیش مهاجرین و انصار» معرفی می‌کند. یحیی ال‌آذری در بیانیه‌ی خود به هدف اجرای قوانین شرع اشاره کرده و از مخاطبین دعوت می‌کند که به جهاد در شام بپیوندند. احتمالاً انتشار همین ویدئو سبب شد که شبکه تلویزیونی آینس جمهوری آذربایجان در ماه مه 2013 در ویژه‌برنامه‌ای به افشای شگردهای گروه‌های وهابی و تکفیری فعال در سوریه برای جذب نیرو از میان جوانان آذربایجانی به ویژه شهرهای شمالی زاگاتالا و قوسار که در نزدیکی مرزهای روسیه و جمهوری داغستان قرار دارند، و سکنه آن‌ها عموماً اهل سنت هستند، بپردازد و نسبت به انتقال این نیروها به سوریه از طریق ترکیه هشدار دهد.

انتهای پیام/خ